



Scenarios for the Role of Religious Assemblies (Hey'ats) in Urban Governance

Morteza Nesari

Ph.D. in Strategic Cultural Management, Faculty of Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Email: nesari.morteza@gmail.com

Seyyed Reza Hosseini

Assistant Professor, Department of Strategic Cultural Management, Faculty of Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran

Email: naseh_rahehagh@yahoo.com

Abstract

The present study aims to examine the role of religious assemblies (Hey'ats) in future urban governance and to explore the potential for transforming them from marginal institutions into key actors, using a combined approach integrating grounded theory and futures studies. Primary data were collected through in-depth interviews with stakeholders, including members of religious assemblies, urban managers, and citizens in three major Iranian metropolises. In the first stage, qualitative data relevant to the subject were extracted and coded using a six-category paradigmatic framework. Analysis identified legal uncertainties, political-ideological tensions, challenges related to digitalization, and generational conflicts as barriers and inhibiting factors, while transitional capacities such as strong social capital, institutional empowerment through the establishment of joint councils, the integration of tradition and technology, and prominent educational and cultural roles were identified as key drivers of transformation. Based on a cross-impact matrix and the aggregation of expert opinions in a Delphi workshop, four potential scenarios—"Transformative Cohesion," "Conflict and Polarization," "Limited Integration of Tradition and Technology," and "Status Quo Stabilization and Possible Regression"—were derived and evaluated in terms of indicators such as likelihood of occurrence, impact on urban governance, technology acceptance, and social cohesion. The results indicate that the "Transformative Cohesion" scenario was considered by the experts to be the optimal pathway for achieving participatory and sustainable governance. Accordingly, practical recommendations were proposed for transforming the role of religious assemblies (Hey'ats) in urban governance.

Keywords: Religious Assemblies (Hey'ats), Urban Governance, Scenario Planning, Social Participation, Social Capital



سناریوهای نقش آفرینی هیئت‌های مذهبی در حکمرانی شهری

مرتضی نزاری

دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: nesari.morteza@gmail.com

سیدرضا حسینی

استادیار گروه مدیریت راهبردی فرهنگی، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران
Email: naseh_rahehagh@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی نقش هیئت‌های مذهبی در حکمرانی شهری آینده و بررسی امکان تحول آن‌ها از نهادهای حاشیه‌ای به بازیگران کلیدی، با بهره‌گیری از رویکرد ترکیبی داده‌بنیاد و آینده‌پژوهی به انجام شد. داده‌های اولیه از طریق مصاحبه‌های عمیق با ذی‌نفعان شامل اعضای هیئت‌های مذهبی، مدیران شهری و شهروندان در سه کلان‌شهر ایران گردآوری شد. در مرحله نخست، داده‌های کیفی مرتبط با موضوع با استفاده از چهارچوب پارادایمی شش مقوله استخراج و کدگذاری گردید. با تحلیل داده‌ها، عواملی همچون عدم قطعیت‌های حقوقی، تنش‌های سیاسی-ایدئولوژیک، چالش‌های دیجیتالی شدن و تعارضات نسلی به‌عنوان موانع و عوامل بازدارنده شناسایی شدند؛ درحالی‌که ظرفیت‌های انتقالی نظیر سرمایه اجتماعی قوی، توانمندسازی نهادی از طریق ایجاد شوراهای مشترک، تلفیق سنت با فناوری و نقش آموزشی و فرهنگی برجسته، به‌عنوان عوامل محرکه تعیین گردیدند. بر مبنای ماتریس اثر متقابل و گردهمایی نظرات کارشناسان در کارگاه دلفی، چهار سناریوی احتمالی شامل «هم‌بستگی تحول‌گرا»، «تضاد و قطبی شدن»، «تلفیق محدود سنت و فناوری» و «تثبیت وضعیت موجود و احتمال پس‌گرد» استخراج و از منظر شاخص‌هایی از قبیل احتمال وقوع، تأثیر بر حکمرانی شهری، پذیرش فناوری و هم‌بستگی اجتماعی مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج نشان می‌دهد که سناریوی «هم‌بستگی تحول‌گرا» از نظر کارشناسان بهینه‌ترین مسیر برای دستیابی به حکمرانی مشارکتی و پایدار است. براین‌اساس، پیشنهاد‌های اجرایی جهت تحول نقش هیئت‌های مذهبی ارائه شد.

کلیدواژه‌ها: هیئت‌های مذهبی، حکمرانی شهری، سناریونگاری، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی

مقدمه

در عصر حاضر، هیئت‌های مذهبی که از دیرباز به عنوان نهادهای فرهنگی-اجتماعی ریشه‌دار شناخته شده‌اند، در شکل‌دهی به هویت جمعی، تقویت هم‌بستگی اجتماعی و مدیریت معضلات اضطراری نقشی کلیدی ایفا نموده‌اند. با این حال، در چهارچوب حکمرانی شهری مدرن و برنامه‌ریزی‌های کلان، پتانسیل تحول‌آفرین این نهادها برای مشارکت مؤثر در حل مسائل پیچیده شهری آینده - از چالش‌ها و بحران‌های محیط‌زیستی تا شکاف‌های فرهنگی - عموماً نادیده گرفته شده یا به حاشیه رانده شده است.

در مواجهه با چالش‌های بی‌سابقه‌ای همچون تغییرات اقلیمی، روند سریع شهرنشینی و نابرابری‌های فضایی، رویکردهای صرفاً سکولار و فن‌سالارانه به‌تنهایی قادر به پاسخ‌گویی به ابعاد اخلاقی-اجتماعی این بحران‌ها نبوده‌اند. براساس نظریه سرمایه اجتماعی «پاتنام»^۱ (پاتنام، ۱۳۹۲)، شبکه‌های اجتماعی قوی و اعتماد متقابل، ارکان اصلی حکمرانی مؤثر و مشارکت پایدار محسوب می‌شوند. مطالعات داخلی نیز مؤید این ظرفیت هستند؛ به‌عنوان مثال، شیروودی و شیروودی (۱۳۹۶) نشان داده‌اند که هیئت‌ها با تقویت سرمایه اجتماعی درونی خود، مشروعیت نظام سیاسی و مشارکت عمومی را افزایش می‌دهند. در این میان، ساختارهای شبکه‌ای و مردمی نیرومند که از ویژگی‌های بارز هیئت‌های مذهبی است، می‌توانند خلأهای ارتباطی و اعتمادی در مدل‌های متعارف حکمرانی شهری را پوشش دهند. پژوهشی همچون مطالعه نثاری و همکاران (۱۴۰۴) با عنوان «الگوی حکمرانی هیئت‌محور» به‌وضوح نشان می‌دهد که این نهادها چگونه می‌توانند خلأهای حکمرانی رسمی را از طریق شبکه‌سازی مردمی پُر کنند.

مسئله محوری این پژوهش، تناقض میان ظرفیت عمیق هیئت‌های مذهبی و جایگاه حاشیه‌ای آنان در ساختار رسمی حکمرانی شهری است. این ظرفیت تنها به حوزه اجتماعی محدود نمی‌شود؛ تحقیقاتی مانند «تحلیل راهبردی نقش هیئت‌های مذهبی در امنیت فرهنگی» (نثاری و همکاران، ۱۴۰۴) نشان می‌دهد که هیئت‌ها با ایجاد یک «چرخه هم‌افزای امنیتی-هویتی»، در تقویت انسجام جمعی در سطوح مختلف نقشی زیرساختی ایفا می‌کنند. با این حال، غفلت از این نقش در بلندمدت می‌تواند به تضعیف انسجام اجتماعی، کاهش مشروعیت نهادهای حکمرانی



و تعمیق شکاف‌های فرهنگی بینجامد. پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان با بازتعریف رابطه سنت و مدرنیته و بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی-مذهبی، الگوهای حکمرانی شهری پایدارتری را طراحی کرد. در این مسیر، دیدگاه‌های تحول‌گرا - از جمله ایده تبدیل هیئت‌ها از نهادهای مناسکی به «کانون‌های مسئله‌محور و نوآور» (نثاری و حسین‌نژاد، ۱۴۰۴) - راه را برای بازاندیشی این نقش هموار می‌سازند. با این حال، نگرانی‌هایی جدی مانند ابزاری شدن سیاسی هیئت‌ها یا نادیده گرفته شدن آنان تحت شعار سکولاریزاسیون، ابعاد حساس این تحول را شکل می‌دهند.

بر این اساس، سؤالات اصلی پژوهش به شرح زیر بازتنظیم می‌شوند:

«هیئت‌های مذهبی چگونه می‌توانند از موقعیت حاشیه‌ای کنونی، به بازیگران کلیدی در طراحی و تحقق آینده شهرهای پایدار تبدیل شوند؟» و «چه سناریوها و مکانیسم‌هایی در چهارچوب آینده‌پژوهی می‌توانند این تحول را نهادینه کرده و بهره‌وری از سرمایه اجتماعی-مذهبی را ممکن سازند؟»

جهت پاسخ به این پرسش‌ها، رویکرد پژوهشی ترکیبی از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و آینده‌پژوهی به سبک سناریونویسی به کار گرفته شده است. در این مطالعه از روش‌هایی چون تحلیل روندها، سناریونویسی، تکنیک دلفی، همراه با مصاحبه‌های عمیق و مطالعات موردی در شهرهای دارای بافت مذهبی استفاده شده است. چهارچوب نظری پژوهش، بر حکمرانی مشارکتی و نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام استوار است؛ تلفیقی که با الهام از یافته‌های پژوهش‌هایی چون گنجی و همکاران (۱۴۰۰) و «حلیم»^۱ (۲۰۱۸)، توان طرح راهکارهای عملی برای ادغام سرمایه اجتماعی-مذهبی در فرایندهای توسعه پایدار شهری را فراهم می‌آورد.

۱. پیشینه پژوهش

در دهه‌های اخیر، هیئت‌های مذهبی به عنوان نهادهای اجتماعی ریشه‌دار در ایران، مورد توجه فزاینده پژوهشگران حوزه‌های علوم اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار گرفته‌اند. مطالعات متعددی به بررسی ابعاد گوناگون عملکرد این نهادها، از نقش تاریخی آنان در تحولات سیاسی تا

1. Halim

کارکردهای معاصر آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی و امنیتی، پرداخته‌اند. بااین وجود، تمرکز اصلی این تحقیقات عموماً بر موقعیت کنونی یا کارکردهای گذشته هیئت‌ها بوده و پژوهش‌های اندکی به واکاوی آینده نقش‌آفرینی آن‌ها، به‌ویژه در عرصه نوین حکمرانی شهری، با رویکردی آینده‌نگر و سناریومحور پرداخته‌اند. مرور نظام‌مند پیشینه تحقیق، گامی ضروری برای ترسیم دقیق‌تر این فضای پژوهشی و تعیین جایگاه مطالعه حاضر در آن است.

❖ مطالعات مرتبط با حکمرانی شهری و چالش‌های کلان

ترابی و همکاران (۱۴۰۴) در مقاله پژوهشی خود با عنوان «بازمعماری حکمرانی شهری در رویارویی با جنگ ترکیبی» نتیجه می‌گیرند که جنگ ترکیبی با درهم‌تیدن تهدیدات مختلف، سبب فرسایش و کوتاه‌مدت شدن چرخه حکمرانی شهری می‌شود. آنان تأکید می‌کنند که برای مقابله با این وضعیت، بازطراحی نهاد حکمرانی از طریق خلق یک «رؤیای ملی» بلندمدت ضروری است. این تحلیل، زمینه تهدیدات پیچیده‌ای را ترسیم می‌کند که حکمرانی شهری آینده، ازجمله نقش‌آفرینی نهادهایی مانند هیئت‌های مذهبی در آن، باید در برابر آن تاب‌آور باشد.

❖ مطالعات مستقیم در مورد هیئت‌های مذهبی

مطالعات داخلی در این حوزه را می‌توان در چند محور دسته‌بندی نمود؛

➤ مطالعات تاریخی و نقش سیاسی-اجتماعی

باقری‌نیا و غفاری (۱۴۰۰) در تحقیق خود با عنوان «نقش سیاسی هیئت‌های مذهبی در روند شکل‌گیری نهضت مشروطیت» تأکید کردند که هیئت‌های مذهبی با کارکردهایی نظیر برگزاری اجتماعات سیاسی و نقد قدرت، به‌عنوان یکی از شبکه‌های سازمان‌دهنده مؤثر در جنبش‌های اجتماعی عمل کرده‌اند. این یافته، سابقه تاریخی نقش سیاسی-اجتماعی هیئت‌ها را برجسته می‌سازد.

غفاری و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق «نقش هیئت‌های مذهبی شهر تهران در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی» به این نتیجه دست یافتند که این هیئت‌ها دارای کارکردهای متنوع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی نظامی در بسیج انقلابی بوده‌اند. این پژوهش، نمونه‌ای عینی از نقش‌آفرینی چندوجهی هیئت‌ها در یک تحول بزرگ اجتماعی-شهری را ارائه می‌دهد.



➤ مطالعات جامعه‌شناختی، مشارکت و حکمرانی محلی:

مهری (۱۴۰۳) در مقاله کنفرانسی خود با عنوان «بررسی نقش هیئت مذهبی در حل مسائل اجتماعی» با استفاده از روش نظریه‌پردازانه داده‌بنیاد دریافت که هیئت‌های مذهبی دارای ساختار و راهبردهایی (مانند آموزش محله محور و مدیریت جمعی مشارکتی) برای مداخله در مسائل اجتماعی هستند. این یافته به‌طور مستقیم، ظرفیت عینی هیئت‌ها را به‌عنوان بازیگران محلی در عرصه حل مسئله نشان می‌دهد.

مشعلچی و مرشدی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش هیئت‌های مذهبی در تقویت جامعه مدنی» دریافتند که تنها گونه «بازاندیش» هیئت‌های مذهبی با تربیت مدنی و انتشار پیام‌های شهروندی، به تقویت جامعه مدنی کمک می‌کند. این نتیجه، لزوم تحول درونی و انطباق هیئت‌ها با نیازهای جامعه مدرن را گوشزد می‌کند.

عمرانی و زارع (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «نظارت اجتماعی در هیئت‌های مذهبی و نقش آن در پیشگیری از جرم» استدلال کردند که هیئت‌ها با ظرفیت نظارت اجتماعی غیررسمی می‌توانند جایگاهی ویژه در پیشگیری اجتماعی از جرم داشته باشند. این کارکرد، نشان‌دهنده قابلیت هیئت‌ها برای مشارکت در حکمرانی محلی و تأمین نظم شهری است.

شیرودی و شیرودی (۱۳۹۶) در مطالعه «تأثیرات جامعه‌شناختی هیئت‌های مذهبی بر مؤلفه‌های مشارکت سیاسی» نشان دادند که عناصر جامعه‌شناختی درون هیئت‌ها بر افزایش مشروعیت نظام سیاسی و میزان مشارکت مردم تأثیر مستقیم دارند. این یافته بر پیوند بین سرمایه اجتماعی مذهبی و مشارکت عمومی صحنه می‌گذارد.

➤ مطالعات جدید با تأکید بر کارکردهای امنیتی، هویتی و حکمرانی:

نثاری و همکاران (۱۴۰۴) در مقاله «تحلیل راهبردی نقش هیئت‌های مذهبی در امنیت فرهنگی» به این نتیجه رسیدند که هیئت‌ها در سه سطح فردی، اجتماعی و ملی با ایجاد یک «چرخه هم‌افزای امنیتی-هویتي»، نقشی زیرساختی در تقویت سرمایه اجتماعی و انسجام جمعی ایفا می‌کنند. این مدل، ظرفیت هیئت‌ها را به‌عنوان نهادهای حکمرانی غیررسمی نشان می‌دهد.

نثاری و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان «امنیت ملی و پیوندهای اجتماعی: تحلیل نقش شبکه‌های مذهبی در دفاع مقدس ۱۲ روزه ۱۴۰۴» به این نتیجه دست یافتند که شبکه‌های

مذهبی محلی با ایفای نقش میانجی‌های هوشمند و سازمان‌دهی غیرمتمرکز، ظرفیت بالایی در مدیریت بحران‌های امنیتی و تقویت انسجام دارند.

نثاری و حسین نژاد (۱۴۰۴) در مطالعه‌ای با عنوان «از عزاداری تا تمدن سازی: مدل‌سازی مفهومی تحول هیئت‌های جوان مدار برای تحقق تمدن نوین اسلامی» استدلال کردند که هیئت‌ها با گذار از نقش صرفاً مناسکی به کانون‌های مسئله‌محور و نوآور، می‌توانند به زیست‌بوم‌های پویای اجتماعی تبدیل شوند. این دیدگاه تحول‌گرا، با چهارچوب پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. نثاری و همکاران (۱۴۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی حکمرانی هیئت‌محور: نقش هیئت‌های مذهبی در تحقق حکمرانی اسلامی مبتنی بر مشارکت مردمی» دریافتند که هیئت‌ها به‌عنوان سرمایه اجتماعی نهادینه‌شده، می‌توانند خلأهای حکمرانی رسمی را از طریق شبکه‌سازی مردمی و مدیریت بحران پر کنند. این یافته بر نقش هیئت‌ها به‌عنوان بازیگران حکمرانی محلی تأکید دارد.

❖ مطالعات بین‌المللی با نهادهای مشابه

بررسی نقش نهادهای مذهبی مشابه در دیگر جوامع، چهارچوبی مقایسه‌ای و نظری فراهم می‌آورد.

«بیومونت و کلوک»^۱ (۲۰۱۲) در کتاب «سازمان‌های مبتنی بر ایمان و طردشدگی در شهرهای اروپایی» دریافتند که کلیساها و سازمان‌های مذهبی در شهرهای اروپا، اغلب خلأهای نهادی را پر کرده و با ارائه خدمات اجتماعی، نقشی غیررسمی، اما حیاتی در حکمرانی شهری ایفا می‌کنند. «هاک‌ورث»^۲ (۲۰۱۲) در کتاب «مبتنی بر ایمان: نئولیبرالیسم مذهبی و سیاست‌های رفاهی در ایالات متحده» به این نتیجه می‌رسد که هم‌گرایی نهادهای مذهبی با دولت می‌تواند به ابزاری شدن سیاسی و تنش با نهادهای سکولار بینجامد. این تحلیل، چالش‌های احتمالی پیش‌روی رسمی‌سازی نقش هیئت‌ها را برجسته می‌کند.

«دی‌هاون»^۳ و همکاران (۲۰۰۴) در مقاله «آیا برنامه‌های سلامت در سازمان‌های مبتنی بر ایمان مؤثرند؟» دریافتند که این برنامه‌ها به‌دلیل قرارگیری در قلب جامعه و اعتماد بالا، اغلب در

1. Beaumont & Cloke

2. Hackworth

3. DeHaven



دستیابی به جمعیت‌های محروم موفق‌تر عمل می‌کنند. این مطالعه، نمونه‌ای از توانمندی نهادهای مذهبی محلی در حل مسائل پیچیده شهری ارائه می‌دهد.

«پاتنام»^۱ (۲۰۰۰) در کتاب کلاسیک خود «بولینگ آلون: فروپاشی و احیای جامعه آمریکایی» استدلال می‌کند که انجمن‌های مدنی داوطلبانه، ازجمله گروه‌های مذهبی، با ایجاد اعتماد و هنجارهای معامله متقابل، سنگ بنای سرمایه اجتماعی و جامعه‌ای سالم هستند. این چهارچوب نظری، نقش زیرساختی نهادهایی مانند هیئت‌ها را روشن می‌سازد.

♦ جمع‌بندی پیشینه و بیان نوآوری پژوهش

مرور نظام‌مند پیشینه نشان می‌دهد اگرچه مطالعات ارزشمندی درباره کارکردهای گذشته و حال هیئت‌های مذهبی در ابعاد تاریخی، اجتماعی، امنیتی و حتی حکمرانی محلی انجام‌شده و همچنین چهارچوب‌های نظری و مقایسه‌ای مناسبی از ادبیات جهانی استخراج گردیده، اما شکاف آشکاری در ادبیات پژوهشی داخلی مشاهده می‌شود. هیچ پژوهشی به‌صورت مستقیم و با رویکردی آینده‌نگر، به ترسیم مسیرهای احتمالی تحول نقش این نهادها در ساختار حکمرانی شهری فردا نپرداخته است.

نوآوری پژوهش حاضر در پر کردن همین شکاف است. این پژوهش با تلفیق روش‌شناسی داده‌بنیاد و آینده‌پژوهی (سناریونویسی)، به بررسی نظام‌مند این پرسش می‌پردازد که هیئت‌های مذهبی چگونه می‌توانند از موقعیت کنونی به بازیگران مؤثر حکمرانی شهری آینده تبدیل شوند. تمرکز بر ترسیم آینده‌های بدیل به‌جای توصیف وضع موجود، تحلیل تعامل سنت و مدرنیته در این مسیر تحول و ارائه سناریوهای محتمل و راهبردهای مرتبط، وجوه تمایز و نوآوری این تحقیق را تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب، این مطالعه در پی گشایش افقی نو برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری است که ظرفیت منحصربه‌فرد نهادهای مردمی ریشه‌دار را در مدیریت چالش‌های پیچیده شهری فردا مدنظر قرار دهد.

۲. چهار چوب مفهومی پژوهش

هیئت مذهبی: هیئت مذهبی در ایران به عنوان نهادهای مردمی ریشه دار شناخته می شوند که فراتر از کارکرد عبادی، در حوزه های فرهنگی، اجتماعی و حتی مدیریت محلی نقش آفرینی دارند (مظاهری، ۱۳۸۹: ۲۵۰-۲۷۰). در ادبیات بین المللی، نهادهای مشابه تحت عنوان «سازمان های مبتنی بر ایمان»^۱ بررسی می شوند که در شهرهای اروپا و آمریکا خلأهای نهادی را پر کرده و خدمات اجتماعی ارائه می دهند.

سرمایه اجتماعی: پاتنام سرمایه اجتماعی را «ویژگی های سازمان اجتماعی مانند شبکه ها، هنجارها و اعتماد که همکاری و کنش جمعی را تسهیل می کنند» معرفی می کند (پاتنام، ۲۰۰۰). این مفهوم در ایران نیز به عنوان مجموعه ای از اعتماد متقابل، هنجارهای مشترک و شبکه های ارتباطی تعریف شده است (پاتنام، ۱۳۹۲).

«حکمرانی خوب»^۲: طبق گزارش کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوسیه، حکمرانی خوب دارای هشت ویژگی اصلی است: مشارکت، اجماع گرایی، پاسخ گوئی، شفافیت، کارآمدی، عدالت، شمول و رعایت قانون (کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوسیه، ۲۰۰۹). برنامه توسعه ملل متحد نیز آن را «سامانه ارزش ها، سیاست ها و نهادهایی که جامعه از طریق آن امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را مدیریت می کند» تعریف کرده است (برنامه توسعه ملل متحد، ۱۹۹۷).

«حکمرانی مشارکتی»^۳: حکمرانی مشارکتی به سازوکارهای دموکراتیک اطلاق می شود که شهروندان را در فرایند سیاست گذاری عمومی دخیل می سازد و پل ارتباطی میان نهادهای رسمی و مردم ایجاد می کند (فونگ و رایت، ۲۰۰۱؛ پالومبو، ۲۰۱۷). در ادبیات فارسی نیز به عنوان الگویی نوین در مدیریت شهری معرفی شده است (گنجی و همکاران، ۱۴۰۰).

-
1. Faith-Based Organizations
 2. Good Governance
 3. UNESCAP
 4. UNDP
 5. Participatory Governance
 6. Fung & Wright



«آینده‌پژوهی و سناریونویسی»^۱: آینده‌پژوهی رویکردی علمی برای شناسایی عدم قطعیت‌ها و ترسیم آینده‌های بدیل است. سناریونویسی یکی از ابزارهای کلیدی آن است که با ساختاربندی مسیرهای محتمل، امکان برنامه‌ریزی راهبردی را فراهم می‌کند. در پژوهش‌های داخلی نیز سناریونویسی به عنوان ابزار اصلی در تحلیل آینده‌های بدیل نهادهای اجتماعی مطرح شده است (گودت^۲، ۲۰۰۱).

۲-۱. هیئت‌های مذهبی و نقش آن‌ها در بهبود سرمایه اجتماعی

در عصر حاضر، نهادهای مردمی ریشه‌دار در فرهنگ و دین همچون هیئت‌های مذهبی، تاریخچه‌ای طولانی در شکل‌دهی به هویت جمعی، تقویت هم‌بستگی اجتماعی و پاسخ به معضلات اضطراری جامعه دارند. از منظر لغوی، هیئت‌ها به تجمع افراد جهت برگزاری مراسم عبادی اشاره دارند؛ اما از منظر نهادی و اجتماعی، آن‌ها به عنوان بازیگران فعال در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی مدیریت محلی مطرح می‌شوند (مظاهری، ۱۳۸۹: ۲۵۰-۲۷۰). در بستر تحول حکمرانی شهری و در مواجهه با چالش‌هایی نظیر تغییرات اقلیمی، رشد سریع شهرنشینی و ظهور حوزه‌های حاشیه‌ای، رویکردهای سکولار به‌تنهایی نتوانسته‌اند پاسخ‌گوی بحران‌های اخلاقی و اجتماعی باشند؛ بنابراین، تلفیق سنت و مدرنیته در نقش هیئت‌های مذهبی به عنوان یکی از ابعاد کلیدی در ایجاد نظام‌های حکمرانی پایدار مورد توجه قرار گرفته است.

توجه به مفهوم «سرمایه اجتماعی»، ابزاری قدرتمند جهت تقویت بُعد نظری و عملی تحول در ساختارهای حکمرانی به شمار می‌آید (پاتنام، ۱۳۹۲: ۴۵). سرمایه اجتماعی از مجموعه‌ای از اعتماد، هنجارهای مشترک و شبکه‌های ارتباطی تشکیل شده است که همکاری و تعاون میان اعضای جامعه را ممکن می‌سازد. وی با تأکید بر ایجاد شبکه‌های اجتماعی منسجم، نقش اعتماد متقابل و مشارکت مدنی را به عنوان ستون‌های ایجاد انسجام اجتماعی و کاهش احتمال وقوع جرائم معرفی می‌کند (پاتنام، ۲۰۰۰: ۳۳۸-۳۳۹).

در همین راستا، حضور هوشمندانه آیین‌های جمعی و گردهمایی‌های مذهبی، به‌ویژه در قالب فعالیت‌های هیئت‌های مذهبی، می‌تواند زمینه‌های تقویت سرمایه اجتماعی را فراهم آورد؛ زیرا

این نهادها با تکیه بر ارزش‌های مشترک دینی و فرهنگی، قادر به تثبیت هنجارها و ارتقای سطح اعتماد میان شهروندان هستند. به این ترتیب، هیئت‌ها می‌توانند از یک نهاد صرفاً عبادی فراتر رفته و به عنوان نقش‌آفرینان مؤثر در تأمین نظم عمومی و ارتقای امنیت اجتماعی عمل کنند. اما متأسفانه در شرایط کنونی، بیشتر فعالیت هیئت‌ها محدود به بُعد عبادی و فرهنگی شده و نقش آنان در ایجاد ساختارهای انتظامی و پیشگیری از جرائم به‌طور سامانمند جایگاه نیافته است. از سوی دیگر، سیاست‌های انتظامی عمدتاً بر رویکردهای سخت‌افزار محور متمرکزند و کم‌تر ظرفیت‌های پنهان نهادهای مردمی را که می‌توانند محور مشارکت و هماهنگی اجتماعی باشند، به کار می‌گیرند. بابایی و همکاران (۱۳۹۶: ۴۰) گزارش می‌دهند که در نقطه مطلوب، هیئت‌های مذهبی می‌توانند به عنوان پلی مؤثر میان جامعه و نهادهای امنیتی، از طریق تقویت سرمایه اجتماعی و فرهنگ قانون‌مداری، به کاهش آسیب‌های اجتماعی و مدیریت بحران‌ها یاری رسانند.

۲-۲. مدل‌های حکمرانی و جایگاه نهادهای مردمی

تعاریف حکمرانی در تحقیقات مختلف به فرایند قاعده گذاری، اجرای قوانین، نظارت و استفاده از قدرت مشروع جهت دستیابی به اهداف مشترک در چهارچوب ارزش‌ها اشاره دارد. در این میان، مدل‌های مختلفی از حکمرانی مطرح شده‌اند که برخی از آن‌ها شامل موارد زیر است:

❖ حکمرانی خوب: تأکید بر تعامل میان دولت و کنشگران جامعه مدنی با محوریت مشارکت، شفافیت و پاسخ‌گویی.

❖ حکمرانی سالم: مبتنی بر آداب و رسوم و فرهنگ محلی که رویکرد جامع‌تری به رفاه عمومی ارائه می‌دهد.

❖ حکمرانی متعالی: که در آن مشروعیت دولت وابسته به تزکیه نفس حاکمان و اجرای احکام الهی است (گنجی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۲).

این مدل‌ها نشان می‌دهند که شیوه‌های اجرای حکمرانی بسته به ارزش‌ها و ساختار سیاسی متغیر بوده و همین موضوع بستر ظهور راهکارهای نوین در حکمرانی مشارکتی را فراهم آورده است.



۲-۳. حکمرانی مشارکتی و تحول نقش هیئت‌های مذهبی

رویکرد حکمرانی مشارکتی که در آن تعامل فعال میان دولت، نهادهای غیردولتی و جامعه مدنی مورد تأکید قرار می‌گیرد، به عنوان یکی از الگوهای نوین مدیریت شهری شناخته می‌شود (التشول و کورائل^۱، ۲۰۱۳). در این چهارچوب، هیئت‌های مذهبی، با توجه به ساختار غیرمتمرکز، شبکه اجتماعی گسترده و نفوذ فرهنگی-اجتماعی خود، می‌توانند به عنوان بازیگران جامعه مدنی و نهادهای واسطی عمل کنند که ارتباط بین بدنه جامعه و نهادهای رسمی حکمرانی شهری را تسهیل می‌نمایند. از منظر آینده‌پژوهی، مسئله کلیدی، چگونگی بازتعریف نقش این نهادهای سنتی برای مشارکت در شهرهای آینده است. این بازتعریف، هم‌نواسازی ظرفیت‌های ذاتی هیئت‌ها (مانند سرمایه اجتماعی، اعتماد و توان بسیج مردمی) با الزامات حکمرانی مدرن (مانند شفافیت، پاسخ‌گویی و استفاده از فناوری) را می‌طلبد. برای نمونه، همگام‌سازی ارزش‌های دیرینه با نوآوری فناورانه می‌تواند به معنای به‌کارگیری پلتفرم‌های دیجیتال برای سازمان‌دهی فعالیت‌های مردمی، استفاده از رسانه‌های جدید برای ترویج گفتمان مبتنی بر ارزش‌ها، یا بهره‌گیری از داده‌های شهری برای هدفمندسازی خدمات محلی هیئت‌ها باشد (حلیم، ۲۰۱۸).

این رویکرد که مستلزم بازنگری در ساختارهای نهادی و بهره‌مندی از فناوری‌های نوین است، به عنوان ابزاری تحول‌زا در مدیریت بحران‌ها و توسعه پایدار شهری به شمار می‌آید (کومبا^۲، ۲۰۱۴).

آینده‌پژوهی، با بهره‌گیری از رویکردهای استراتژیک و سناریونویسی، امکان شناسایی نقاط قوت و خلأ موجود در نظام‌های حکمرانی را فراهم می‌کند و در این میان نقش هیئت‌های مذهبی به عنوان نهادهایی میانجی و تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی، پتانسیل تحولاتی عمیق در ساختارهای شهری را نشان می‌دهد. نمونه‌های موردی از نهادهایی مانند بنیاد خاتم‌الاولصیا و جامعه ایمانی مشعر، تأثیر فعالیت‌های مردمی و آیینی را در بهبود ساختارهای اجتماعی و اجرایی نمایان می‌سازد (حسین آفروش، ۱۴۰۳).

چهارچوب نظری ارائه‌شده نشان می‌دهد که تحول نقش هیئت‌های مذهبی در حکمرانی شهری، می‌تواند به عنوان عاملی کلیدی در ارتقای مشارکت مردمی، تقویت انسجام اجتماعی و

1. Altschule & Corrales
2. Camba

تحقق عدالت و رفاه عمومی مطرح شود. ادغام نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام با مدل‌های حکمرانی مشارکتی، امکانات جدیدی را برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های پنهان هیئت‌ها به‌عنوان نهادهای میانجی فراهم می‌آورد؛ برخلاف دیدگاه‌های تقلیل‌گرا که نقش هیئت‌ها را صرفاً به «مدیریت بحران» و «ایجاد نظم اجتماعی» محدود می‌کند، این نهادها می‌توانند در ابعاد متنوعی از حکمرانی شهری مشارکت داشته باشند:

۱. کارگزار فرهنگی-آموزشی: تقویت هویت، آموزش شهروندی، انتقال ارزش‌های اجتماعی و دینی؛
 ۲. سازمان دهنده خدمات اجتماعی: شناسایی و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، ارائه خدمات محلی، سلامت اجتماعی؛
 ۳. مشروعیت بخش و میانجی: تقویت اعتماد عمومی به نهادهای رسمی، میانجی‌گری در حل اختلافات محلی؛
 ۴. نوآور اجتماعی و فناورانه: به‌کارگیری فناوری‌های نوین برای خدمات‌رسانی، ایجاد پلتفرم‌های مشارکت مجازی؛
 ۵. ناظر و ارزیاب سیاست‌های شهری: ارائه بازخورد مردمی درباره سیاست‌های اجراشده، مشارکت در پایش پروژه‌های شهری.
- بدین ترتیب، رویکرد نوین تلفیق سنت و مدرنیته، با تکیه بر سرمایه اجتماعی، مسیر ایجاد یک نظام حکمرانی جامع و منعطف را هموار می‌کند که پاسخ‌گوی چالش‌های پیچیده شهری در عصر مدرن باشد (گنجی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۵).

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از یک رویکرد ترکیبی بهره می‌برد که هم به تحلیل داده‌های کیفی براساس روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و هم به آینده‌پژوهی به سبک سناریونویسی متکی است. در بخش کیفی، داده‌های لازم از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با ۳۰ نفر از ذی‌نفعان کلیدی گردآوری شد. این افراد شامل ۱۰ نفر از مسئولان و مداحان هیئت‌های مذهبی فعال در سه کلان‌شهر تهران، مشهد و اصفهان، ۱۰ نفر از مدیران و کارشناسان حوزه شهرداری و شورای اسلامی شهر و ۱۰



نفر از شهروندان فعال در بافت‌های محلی دارای هیئت‌های پُرونق بودند. همچنین، مطالعات موردی چند هیئت شاخص (مانند هیئت‌های ریشه‌دار در محلات قدیمی تهران و مشهد) و مشاهدات میدانی از نحوه تعامل این هیئت‌ها با ساختار محله، به‌عنوان سایر منابع اولیه مورد تحلیل قرار گرفتند. برای استخراج الگوها از داده‌ها، از فرایند نظام‌مند کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی، مطابق با روش‌شناسی «استراوس و کوربین»^۱ استفاده شد. این فرایند، امکان شناسایی پیشران‌ها، عدم قطعیت‌ها و روابط علیّ مؤثر بر تحول نقش هیئت‌ها را فراهم کرد و چهارچوب مفهومی اولیه پژوهش را شکل داد.

در گام دوم و در قالب بخش آینده‌پژوهی پژوهش، چهارچوب مفهومی استخراج‌شده از تحلیل داده‌بنیاد (شامل پیشران‌ها، عدم قطعیت‌ها و روابط کلیدی) به‌عنوان مبنای اصلی برای مدل‌سازی آینده‌های محتمل به‌کار گرفته شد. با بهره‌گیری از روش سناریونویسی و به‌ویژه فن‌های تحلیل اثرات متقابل و تشکیل ماتریس سناریو، مسیرهای احتمالی تحول نقش هیئت‌های مذهبی در ساختار حکمرانی شهری طراحی و ترسیم گردید. در این فرایند، با تحلیل روندهای جاری و ارزیابی نظام‌مند تأثیر متقابل عوامل شناسایی‌شده، سناریوهای بدیل تدوین شد که هر یک، افق‌های ممکن، بزرگه‌های حساس و چالش‌های پیش‌رو در ادغام سرمایه اجتماعی این نهادها با نظام حکمرانی مدرن شهری را تصویر می‌کند.

نتیجه منطقی این رویکرد ترکیبی، ایجاد پیوندی ارگانیک بین تحلیل عمیق وضع موجود (برآمده از داده‌های میدانی) و چشم‌انداز پردازی آینده بود. این تلفیق، امکان شناسایی راهکارهای نهادینه‌سازی نقش هیئت‌ها را در قالبی منعطف، مستدل و مبتنی بر شواهد فراهم ساخت.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. تحلیل داده‌ها و بیان یافته‌ها

تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها، مشاهدات و مطالعات موردی، براساس روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و با استفاده از الگوی پارادایمی (شیوه ارائه) استراوس و کوربین (۱۹۹۸)، انجام شد. این الگو با تمرکز بر شش مقوله کلیدی (علّی، محوری، مداخله‌گر، زمینه‌ای،

1. Strauss.& Corbin

راهبردها و پیامدها)، چهارچوبی نظام‌مند برای درک روابط بین پدیده‌ها و استخراج یک مدل نظری منسجم فراهم می‌آورد.

۱-۴. فرایند کدگذاری و شکل‌گیری جدول الگوی پارادایمی

دستیابی به جدول شماره ۱ (الگوی پارادایمی مقولات شش‌گانه) حاصل یک فرایند سه مرحله‌ای تحلیل کیفی بود که به شرح زیر انجام پذیرفت:

کدگذاری باز: در این مرحله اولیه، متن تمام مصاحبه‌ها و یادداشت‌های میدانی به‌دقت بررسی و بخش‌بخش (خط به خط) کدگذاری شد. هدف، شناسایی مفاهیم اولیه، ویژگی‌ها و وقایع موجود در داده‌ها بود. برای مثال، جملاتی مانند «شهرداری برای پروژه‌هایش با ما مشورت نمی‌کند» به کد اولیه‌ای مانند «حاشیه‌انگاری در تصمیم‌گیری‌های شهری» تبدیل شد. این مرحله به‌صورت مستقل توسط پژوهشگر اصلی انجام و در نرم‌افزار تحلیل کیفی (MAXQDA) سازمان‌دهی شد.

کدگذاری محوری: در این مرحله، کدهای اولیه مشابه و مرتبط با یکدیگر ادغام و در قالب مقوله‌های گسترده‌تر دسته‌بندی شدند. برای مثال، کدهای «حاشیه‌انگاری در تصمیم‌گیری»، «نبود قانون مشخص برای همکاری» و «اولویت دادن به شرکت‌های مهندسی» زیر چتر مقوله فراگیرتری به‌نام «حاشیه‌انگاری هیئت‌ها در حکمرانی شهری» قرار گرفتند. هم‌زمان، روابط بین این مقوله‌ها (مانند رابطه علت و معلولی، راهبردی یا زمینه‌ای) مورد کشف و بررسی قرار گرفت. دسته‌بندی نهایی مقوله‌ها در قالب الگوی پارادایمی شش‌گانه و تعیین جایگاه هرکدام (علی، محوری و ...)، با نظارت و بازبینی دو نفر از اساتید که در روش‌شناسی کیفی تخصص داشتند، انجام شد تا از اعتبار تحلیلی اطمینان حاصل شود.

کدگذاری گزینشی و تعیین مقوله محوری: در نهایت، از میان تمام مقوله‌های شکل‌گرفته، مقوله «تبدیل هیئت‌ها به بازیگران حکمرانی» به‌عنوان مقوله محوری انتخاب شد، زیرا سایر مقوله‌ها حول آن معنا یافته و به آن مربوط می‌شدند. «کدهای محوری» ذکرشده در ستون سوم جدول، درواقع مهم‌ترین و پرتکرارترین مفاهیمی هستند که هسته اصلی هر یک از آن مقوله‌های فراگیر (ستون اول) را تشکیل می‌دهند.



جدول شماره ۱ (الگوی پارادایمی مقولات شش‌گانه) محصول نهایی این فرایند تحلیلی است که شبکه معنایی عوامل مؤثر بر تحول نقش هیئت‌ها و ارتباط درونی آن‌ها را به‌وضوح نمایش می‌دهد. لازم به ذکر است که فرایند دلفی یا اجماع گروهی در این مرحله از تحلیل کیفی به‌کار گرفته نشد، چراکه هدف، کشف نظریه از دل داده‌ها بود. بااین‌حال، برای اعتبارسنجی نهایی چهارچوب تحلیلی استخراج‌شده، یافته‌های این مرحله (به‌صورت خلاصه‌شده) در مرحله بعدی (کارگاه دلفی برای سناریونویسی) در معرض دید و داوری خبرگان قرار گرفت و مورد تأیید آنان واقع شد.

جدول ۱: الگوی پارادایمی مقولات شش‌گانه

مقوله	کدهای انتخابی	کدهای محوری
رأی	حاشیه‌انگاری هیئت‌ها در حکمرانی شهری	نبود چهارچوب حقوقی برای مشارکت؛ اولویت‌دهی به نهادهای فن‌سالارانه؛ نادیده گرفتن سرمایه اجتماعی هیئت‌ها، تمرکز برنامه‌ریزی شهری بر مناطق مرفه
	سرمایه اجتماعی هیئت‌ها	شبکه‌های غیررسمی مردمی؛ توان بسیج منابع در بحران‌ها؛ نفوذ در محلات سنتی؛ دسترسی به گروه‌های محروم
	تعارضات نسلی و ارزشی	گسست نسل جوان از آیین‌های جمعی؛ تقابل مدرنیته شهری با سنت‌های مذهبی؛ انتظارات متفاوت از نقش هیئت‌ها؛ بحران هویت در نسل جوان
مجموعی	تبدیل هیئت‌ها به بازیگران حکمرانی	مشارکت در طراحی پروژه‌های شهری؛ نقش آموزشی در شهروندی پایدار؛ همکاری با شهرداری در مدیریت بحران؛ ادغام در سیاست‌های توسعه محلی
مداخله‌گر	تنش‌های سیاسی-ایدئولوژیک	ابزارسازی هیئت‌ها برای اهداف حزبی، مقاومت نهادهای سکولار در برابر مشارکت مذهبی، ترس از اسلامی سازی فضای عمومی؛ فشارهای بین‌المللی بر حکومت‌های محلی
	چالش‌های دیجیتال شدن	مقاومت رهبران هیئت‌ها در برابر فناوری، شکاف دیجیتالی بین اعضا؛ ریسک کاهش مشارکت فیزیکی؛ نفوذ شبکه‌های اجتماعی در جذب جوانان
	ابهام در چهارچوب‌های حقوقی	عدم شفافیت در قوانین مشارکت هیئت‌ها، تعارض قوانین شهری و شرعی، چالش مالکیت اماکن مذهبی، عدم حمایت بیمه‌ای از فعالیت‌های هیئت‌ها

مقوله	کدهای انتخابی	کدهای محوری
زمینه‌ای	نابرابری فضایی در شهرها	محرومیت دسترسی به امکانات در محلات مذهبی، تمرکز خدمات شهری در مناطق ثروتمند، تفکیک مکانی براساس پایگاه مذهبی؛ رشد حاشیه‌نشینی
	سطح اعتماد اجتماعی	بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی؛ اعتماد بالا به هیئت‌ها در محلات سنتی؛ نقش هیئت‌ها در کاهش جرم؛ شکاف اعتماد بین نسل‌ها
	بحران هویت فرهنگی	تقابل هویت ملی و مذهبی، نفوذ فرهنگ جهانی در سبک زندگی؛ بازتعریف معنویت در نسل جدید؛ حذف نمادهای سنتی از فضای شهری
فرایند	توانمندسازی نهادی هیئت‌ها	ایجاد شورای مشترک هیئت‌ها و شهرداری؛ آموزش مدیران هیئت‌ها در حوزه مدیریت پروژه؛ تدوین سند مشارکت ساختاری؛ تأمین مالی پایدار از طریق شهرداری
	تلفیق سنت و فناوری	راه‌اندازی پلتفرم‌های دیجیتال برای آموزش مذهبی؛ استفاده از واقعیت مجازی در مراسم آیینی؛ ایجاد اپلیکیشن‌های مشارکت مردمی؛ تبلیغات شهری هوشمند مذهبی
	گفتمان‌سازی مشارکتی	برگزاری میزگردهای عمومی با ذی‌نفعان؛ طراحی پویش‌های مشترک با NGO ها؛ تولید محتوای هنری با پیام‌های اخلاقی-شهری؛ مشارکت در جشنواره‌های فرهنگی شهری
نتیجه	حکمرانی پایدار شهری	کاهش هزینه‌های مدیریت بحران؛ افزایش رضایتمندی شهروندان؛ تقویت هم‌بستگی اجتماعی؛ جذب گردشگری مذهبی
	ریسک قطبی‌سازی اجتماعی	تشدید تنش بین گروه‌های مذهبی و سکولار؛ نادیده گرفتن حقوق اقلیت‌ها؛ سیاسی شدن هیئت‌ها؛ کاهش مشروعیت نهادهای حکومتی
	احیای هویت شهری-مذهبی	تقویت غرور محلی در محلات سنتی؛ بازتولید خاطره جمعی از طریق آیین‌ها؛ کاهش مهاجرت نخبگان از محلات مذهبی؛ جذب جوانان به فعالیت‌های اجتماعی-مذهبی

در مقوله «علی»، تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که عوامل مختلفی منجر به حاشیه‌ای شدن هیئت‌های مذهبی در نظام حکمرانی شهری شده‌اند. نبود چهارچوب حقوقی جامع، اولویت‌بندی نهادهای فن‌سالارانه، نادیده گرفتن سرمایه اجتماعی و تمرکز برنامه‌ریزی‌های شهری بر مناطق مرفه، ازجمله علل اصلی این حاشیه‌نشینی به شمار می‌آیند. در مقابل، وجود شبکه‌های مردمی



غیررسمی، توان بسیج منابع در زمان بحران، نفوذ در محلات سنتی و دسترسی به گروه‌های محروم، پتانسیل‌های تغییر و تحول این نهادها را به‌عنوان سرمایه مهم فرهنگی-اجتماعی برجسته می‌سازد.

در مقوله «محوری»، محور اصلی تحلیل تبدیل نقش هیئت‌ها از وضعیتی حاشیه‌ای به بازیگران اصلی در روند حکمرانی شهری مشخص می‌شود. این مقوله شامل مشارکت فعال در طراحی پروژه‌های شهری، ایفای نقش آموزشی در پرورش شهروندی پایدار، همکاری با شهرداری در مدیریت بحران و ادغام در سیاست‌های توسعه محلی است. این دیدگاه تحول‌گرا، چشم‌اندازی نوین را رقم می‌زند که نقش سنتی هیئت‌های مذهبی را به مشارکت فرافکن در ساختارهای شهری متحول می‌کند.

در مقوله «مداخله‌گر»، عواملی که می‌توانند به‌عنوان بازدارنده یا تسهیل‌کننده در مسیر تحول عمل کنند مورد بررسی قرار می‌گیرند. داده‌ها نشان می‌دهند که تنش‌های سیاسی-ایدئولوژیک از جمله ابزارسازی هیئت‌ها برای اهداف حزبی، مقاومت نهادهای سکولار و نگرانی‌های ناشی از اسلامی‌سازی فضای عمومی، هم‌زمان با چالش‌های دیجیتالی شدن مانند مقاومت رهبران، شکاف دیجیتالی بین اعضا، ریسک کاهش مشارکت فیزیکی و نفوذ شبکه‌های اجتماعی، زمینه‌های مداخله‌گر مهمی را فراهم می‌کنند. همچنین، ابهام در چهارچوب‌های حقوقی (عدم شفافیت قوانین، تعارض قوانین شهری و شرعی و چالش مالکیت اماکن مذهبی) نیز به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی شناسایی شده است.

در مقوله «زمینه‌ای»، بررسی چهارچوب‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی نقش حیاتی در روند تغییرات آینده ایفا می‌کند. نابرابری فضایی در شهرها، مانند محرومیت دسترسی به امکانات در محلات مذهبی، تمرکز خدمات شهری در مناطق مرفه و تفکیک مکانی براساس مبناهای مذهبی، به‌همراه تغییرات در سطح اعتماد اجتماعی، بی‌اعتمادی نسبت به نهادهای رسمی در مقابل اعتماد بالای هیئت‌ها در محلات سنتی و بحران هویت فرهنگی ناشی از تقابل بین هویت ملی و مذهبی و نفوذ فرهنگ جهانی، زمینه‌های تأثیرگذار بر روند تحول را رقم می‌زنند. در مقوله «راهنم‌دها و پیامدها»، مسیرهای پیشنهادی برای گذار از وضعیت موجود به یک مدل حکمرانی مشارکتی به‌تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. راهبردهایی نظیر توانمندسازی

نهادی با ایجاد شوراهای مشترک، آموزش مدیران و تدوین سند مشارکت ساختاری؛ تلفیق سنت و فناوری از طریق راه‌اندازی پلتفرم‌های دیجیتال آموزشی، استفاده از واقعیت مجازی در مراسم‌های آیینی و طراحی اپلیکیشن‌های مشارکت مردمی؛ و گفتمان‌سازی مشارکتی با برگزاری میزگردهای عمومی و تولید محتوای هنری، به‌عنوان راهکارهایی برای تحول نقش هیئت‌های مذهبی مطرح شده‌اند. اجرای این راهبردها می‌تواند منجر به حاکمیت پایدار شهری، کاهش هزینه‌های مدیریت بحران، افزایش رضایت شهروندان و تقویت هم‌بستگی اجتماعی شود؛ درحالی‌که عدم مدیریت صحیح این عوامل خطر قطعی‌سازی اجتماعی و کاهش مشروعیت نهادهای حکومتی را در پی خواهد داشت.

۲-۴. استخراج عدم قطعیت‌ها و پیشران‌ها

شناسایی عدم قطعیت‌ها (عوامل با آینده نامعلوم) و پیشران‌ها (عوامل محرک تغییر) براساس یک فرایند چهار مرحله‌ای ترکیبی انجام شد که داده‌های کیفی پژوهش را به ورودی‌های سناریونویسی تبدیل می‌کرد:

مرحله ۱: شناسایی اولیه از دل داده‌های کیفی

لیست اولیه عوامل از طریق بازکاوی مقوله‌ها و کدهای محوری جدول پارادایمی (بخش پیشین) استخراج شد. به‌عنوان مثال، مقوله «ابهام در چهارچوب‌های حقوقی» به‌عنوان یک عدم قطعیت کلیدی و مقوله «سرمایه اجتماعی هیئت‌ها» به‌عنوان یک پیشران قوی شناسایی گردید.

مرحله ۲: پالایش و اولویت‌بندی با تکنیک دلفی

لیست اولیه در قالب یک پرسش‌نامه ساختاریافته در اختیار ۱۵ نفر از خبرگان قرار گرفت. این خبرگان شامل ۵ نفر از اساتید دانشگاه در رشته‌های آینده‌پژوهی، مدیریت شهری و جامعه‌شناسی، ۵ نفر از مدیران ارشد و سیاست‌گذاران با سابقه در نهادهای شهری (شهرداری و شورای شهر) و ۵ نفر از رهبران و مجریان باتجربه هیئت‌های مذهبی سرشناس بودند. فرایند در دو دور انجام شد. در دور اول، خبرگان عوامل را از نظر اهمیت و عدم قطعیت ارزیابی و پیشنهادها خود را ارائه دادند. در دور دوم، نتایج گردآوری و بازخورد داده شد تا به اجماع نسبی برسیم. خروجی این مرحله، فهرست نهایی و اولویت‌بندی شده ۴ عدم قطعیت و ۳ پیشران اصلی بود.



مرحله ۳: تحلیل ساختاری روابط با ماتریس تأثیر متقابل برای درک چگونگی تأثیر عوامل بر یکدیگر، از «ماتریس تأثیر متقابل»^۱ استفاده شد. در این ماتریس، هر عامل از دو منظر «میزان تأثیرگذاری بر دیگر عوامل» و «میزان تأثیرپذیری از دیگر عوامل» توسط خبرگان مورد قضاوت قرار گرفت.

جدول ۲: نمونه روابط در ماتریس تأثیر متقابل

عامل	تأثیر بر «پذیرش فناوری»	تأثیر بر «وضوح قوانین»	درجه تأثیرپذیری
سرمایه اجتماعی	متوسط	قوی	کم
تنش سیاسی-ایدئولوژیک	قوی	خیلی قوی	متوسط
درجه تأثیرگذاری	متوسط	خیلی قوی	-

این تحلیل کمک کرد تا دو عامل با بیشترین قدرت پیش‌برندگی و بیشترین عدم قطعیت به‌عنوان محورهای ساختاربخشی سناریوها انتخاب شوند: ۱. وضوح و استحکام چهارچوب‌های حقوقی و ۲. سطح تلفیق و پذیرش فناوری.

مرحله ۴: ساختاربندی فضای سناریوها

با قرار دادن دو محور فوق در یک ماتریس 2×2 ، چهار چهارچوب کلی برای سناریوها ایجاد شد. سایر عوامل (مانند تنش‌های سیاسی و تعارضات نسلی) به‌عنوان عوامل واسطه‌ای یا تعدیل‌گر درون هر یک از این چهار چهارچوب مورد تحلیل قرار گرفتند تا سناریوهای واقع‌بینانه‌تری شکل گیرند.

۳-۴. شناسایی و تبیین سناریوهای مختلف

با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده در بخش‌های پیشین، در این پژوهش چهار سناریوی کلیدی شناسایی شده است که هر یک نمایانگر مسیرهای متفاوت تحول نقش هیئت‌های مذهبی در حکمرانی شهری هستند. با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده در بخش‌های پیشین، در این پژوهش چهار سناریوی کلیدی شناسایی شده است. این سناریوها به‌صورت سامانمند و از طریق فرایند

ساختاریافته سناریونویسی بر پایه ماتریس اثرات متقابل استخراج شده‌اند. فرایند کشف سناریوها به این شرح بود: پس از انتخاب دو متغیر کلیدی با بیشترین عدم قطعیت و تأثیرگذاری (وضوح چهارچوب حقوقی و سطح پذیرش فناوری) به عنوان محورهای اصلی، یک ماتریس سناریو 2×2 تشکیل شد. چهار خانه این ماتریس، چهار چهارچوب بنیادین برای آینده ممکن را نمایندگی می‌کردند. سپس، با در نظرگیری نقش تعدیل گر سایر عوامل شناسایی شده (مانند تنش‌های سیاسی، تعارضات نسلی و قدرت سرمایه اجتماعی) در هر یک از این چهار چهارچوب، سناریوهای واقع‌بینانه و داستان گونه حاضر شکل گرفتند. در ادامه، هر یک از این چهار سناریو تبیین می‌شود:

۱-۳-۴. سناریو «هم‌بستگی تحول‌گرا»

این سناریو منطبق بر خانه مطلوب ماتریس (قوانین شفاف + پذیرش گسترده فناوری) است. در این مسیر، چهارچوب‌های حقوقی روشن، بستری امن برای مشارکت ساختاریافته هیئت‌ها فراهم می‌آورد. فناوری به‌طور کامل ادغام شده و موجب تحول در مدیریت شهری می‌شود. با کاهش تنش‌های سیاسی و توجه به مسائل نسلی، سرمایه اجتماعی هیئت‌ها به‌طور سازنده در خدمت حکمرانی مشارکتی قرار می‌گیرد و آنان را به بازیگران کلیدی تبدیل می‌کند.

۲-۳-۴. سناریو «تضاد و قطبی شدن»

این سناریو منطبق بر خانه نامطلوب ماتریس (قوانین مبهم + مقاومت در برابر فناوری) است. تداوم ابهام حقوقی و مقاومت در برابر نوآوری، فضایی از بی‌اعتمادی و سوء تفاهم ایجاد می‌کند. تنش‌های سیاسی-ایدئولوژیک تشدید شده و سرمایه اجتماعی هیئت‌ها یا مورد بهره‌برداری سیاسی قرار می‌گیرد یا به حاشیه رانده می‌شود. نتیجه، شکاف عمیق بین گروه‌ها و تضعیف حکمرانی شهری است.

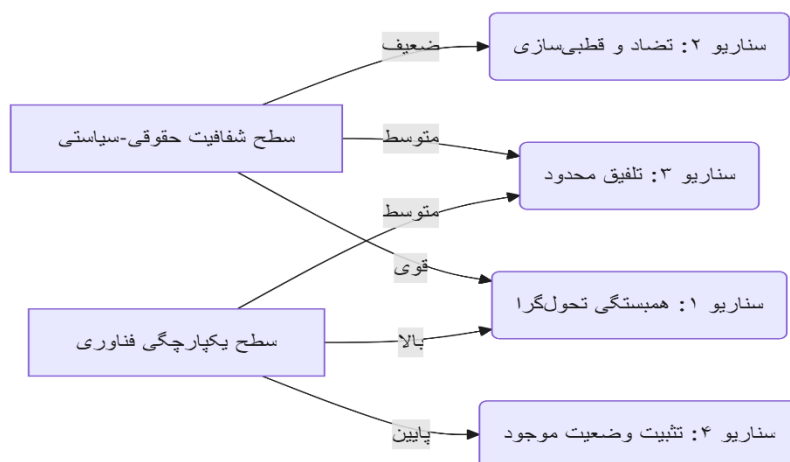


۳-۳-۴. سناریو «تلفیق محدود سنت و فناوری»

این سناریو حالت میانی و ناهمگون ماتریس را نشان می‌دهد (قوانین مبهم + پذیرش گزینشی فناوری، یا قوانین شفاف + مقاومت نسبی). در این حالت، اصلاحات و نوآوری‌ها به صورت جزیره‌ای و محلی رخ می‌دهد. برخی هیئت‌ها یا شهرها با استفاده از فناوری و فرصت‌های محدود قانونی پیشرفت می‌کنند، درحالی‌که دیگران در وضعیت قبلی باقی می‌مانند نتیجه، یک حکمرانی شهری نابرابر و دوپاره است.

۴-۳-۴. سناریو «تثبیت وضعیت موجود و احتمال پس‌گرد»

این سناریو که نزدیک به «وضعیت پایه»^۱ است، حاکی از تداوم روندهای موجود (قوانین مبهم + مقاومت در برابر فناوری) بدون هیچ محرک تحول‌آفرینی است. فقدان اراده برای شفاف‌سازی قوانین و به‌کارگیری فناوری، باعث رکود، فرسودگی تدریجی نقش هیئت‌ها و از دست رفتن فرصت‌ها می‌شود. در صورت تشدید عوامل منفی، حتی پسرفت از شرایط کنونی نیز محتمل است.



شکل ۱: سناریوهای چهارگانه

چهار سناریوی استخراج شده، هر یک بازتابی از مسیرهای متفاوت تحول نقش هیئت‌های مذهبی در حکمرانی شهری هستند. سناریوی «هم‌بستگی تحول‌گرا» تصویری مطلوب از آینده‌ای است که در آن قوانین شفاف و پذیرش گسترده فناوری، زمینه‌ساز مشارکت ساختاریافته و سازنده هیئت‌ها می‌شود. در مقابل، سناریوی «تضاد و قطبی شدن» نشان‌دهنده وضعیتی بحرانی است که ابهام حقوقی و مقاومت در برابر نوآوری، به شکاف اجتماعی و کاهش مشروعیت حکمرانی منجر می‌گردد. سناریوی «تلفیق محدود سنت و فناوری» حالت میانه‌ای را ترسیم می‌کند که در آن برخی مناطق از فرصت‌های نوین بهره‌مند می‌شوند؛ اما نابرابری و دوارگی در سطح کلان باقی می‌ماند. نهایتاً، سناریوی «تثبیت وضعیت موجود و احتمال پس‌گرد» بیانگر تداوم روندهای فعلی و خطر عقب‌گرد در نقش هیئت‌هاست، اگر اصلاحات حقوقی و فناورانه به‌طور جدی دنبال نشود.

این تحلیل نشان می‌دهد که آینده نقش هیئت‌ها در حکمرانی شهری نه یک مسیر خطی، بلکه مجموعه‌ای از امکان‌های متنوع است که تحت تأثیر سطح شفافیت حقوقی و میزان پذیرش فناوری شکل می‌گیرد. سرمایه اجتماعی هیئت‌ها، تنش‌های سیاسی و تعارضات نسلی به‌عنوان عوامل تعدیل‌گر می‌توانند هر یک از این مسیرها را تقویت یا تضعیف کنند؛ بنابراین، سناریوهای چهارگانه نه تنها ابزار توصیف آینده‌های محتمل‌اند، بلکه مبنایی برای طراحی راهبردهای سیاستی و تصمیم‌گیری‌های مشارکتی محسوب می‌شوند. این چهارچوب به پژوهشگران و سیاست‌گذاران امکان می‌دهد تا با درک تفاوت‌ها و پیامدهای هر سناریو، مسیرهای مطلوب را تقویت کرده و از خطرات سناریوهای نامطلوب پیشگیری کنند.

۴-۴. جمع‌بندی و ارزیابی

فرایند ارزیابی سناریوها در کارگاه دلفی با استفاده از پرسش‌نامه‌های ساختاریافته و جمع‌بندی نظرات کارشناسان در چندین دور بازخورد، امکان تعیین شاخص‌های کلیدی نظیر «احتمال وقوع»، «تأثیر بر حکمرانی شهری»، «پذیرش فناوری» و «امتیاز هم‌بستگی اجتماعی» را فراهم آورد. سپس این شاخص‌ها به‌صورت عددی میانگین‌گیری شده و نمایانگر استحکام نظری و



عملیاتی هر سناریو تشخیص داده شدند. این فرایند علمی تضمین می‌کند که تجزیه و تحلیل نه تنها مبتنی بر شواهد داده بنیاد است بلکه از نظر نظری و کاربردی نیز استوار و قابل استناد است. در نهایت، نتایج به دست آمده زمینه لازم جهت کمی سازی سناریوها و استفاده از مدل‌های پیش‌بینی مانند مدل‌های شبیه سازی نظام‌های دینامیکی را فراهم آورده است. این امر به پژوهشگران امکان می‌دهد تا با ارزیابی عمیق تر پیامدهای احتمالی هر سناریو، ریسک‌های مرتبط را شناسایی و شاخص‌های کلیدی را برای پایش دوره‌ای اصلاح کنند؛ بنابراین، ترکیب روش‌های تحلیلی کیفی در کنار رویکردهای آینده پژوهی، نقشه راهی علمی جهت تحول نقش هیئت‌های مذهبی در حکمرانی شهری ارائه داده است که می‌تواند به عنوان مبنای طرح‌های اجرایی و سیاست گذاری‌های مشارکتی مورد استفاده قرار گیرد.

در جدول زیر، هر سناریو به همراه پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های مرکزی، امتیازهای ارزیابی و توضیحات نهایی آمده است:

جدول ۲: سناریوهای محتمل در خصوص نقش هیئت‌های مذهبی

سناریو	پیشران‌ها - عدم قطعیت‌های کلیدی مورد استفاده	احتمال وقوع	نقد و بررسی حکمرانی	پند و اندرز فناوری	هم بستگی اجتماعی	توضیحات نهایی
هم بستگی تحول‌گرا	چهار چوب‌های حقوقی شفاف، سرمایه اجتماعی قوی، تلفیق موفق سنت و فناوری، کاهش تنش‌های سیاسی	۳۵٪	۹	۸	۹	هیئت‌ها از وضعیت حاشیه‌ای به بازیگران استراتژیک و فعال در طراحی سیاست‌های شهری و آموزش شهروندی پایدار دگرگون می‌شوند. این سناریو از تعامل مثبت میان پیشران‌های نوآورانه و کاهش عدم قطعیت‌های حقوقی بهره می‌برد.

سناریو	پیشران‌ها - عدم قطعیت‌های کلیدی مورد استفاده	احتمال وقوع	تاثیر حکمرانی	پذیرش فناوری	هم‌بستگی اجتماعی	توضیحات نهایی
تضاد و قطبی شدن	ابهام در چهارچوب‌های حقوقی، تنش‌های سیاسی-ایدئولوژیک، مقاومت فناوری، تعارضات نسلی	۲۵٪	۳	۴	۳	در این مسیر، عدم رفع ناهنجاری‌های حقوقی و استفاده از پیشران‌ها به‌عنوان ابزارهای سیاسی منجر به افزایش جدایی میان گروه‌های مختلف و کاهش اعتماد عمومی می‌شود.
تلفیق محدود سنت و فناوری	اصلاحات جزئی و محلی، مقاومت محدود فناوری و حقوقی، سرمایه اجتماعی ناکافی در سطح کلان	۳۰٪	۶	۵	۶	این سناریو نشان‌دهنده وضعیت نیمه تحول است؛ جایی که در برخی مناطق تغییرات مثبتی رخ می‌دهد و در برخی دیگر به علت ناهماهنگی میان معیارهای کلیدی، تحول کامل متوقف می‌شود.
تثبیت وضعیت موجود و احتمال پس‌گرد	حفظ ابهام حقوقی، مقاومت در برابر پذیرش فناوری، تجمع تنش‌های سیاسی و وابستگی به روش‌های سنتی	۱۰٪	۴	۳	۴	در صورت عدم اقدام مؤثر جهت اصلاح چهارچوب‌های قانونی و پذیرش فناوری‌های نوین، هیئت‌ها همچنان در مرزهای فعالیت‌های حادثه‌ای باقی‌مانده یا حتی شاهد پس‌گرد نقش خود در حکمرانی شهری خواهند بود.

در مرحله نخست، داده‌های اولیه از طریق فرایند کدگذاری کیفی و تحلیل تم‌های استخراج‌شده مورد بررسی قرار گرفتند. در این فرایند، عواملی نظیر «ابهام در چهارچوب‌های حقوقی»، «تنش‌های سیاسی-ایدئولوژیک»، «چالش‌های دیجیتالی شدن» و «تعارضات نسلی» به‌عنوان عدم قطعیت‌های اساسی در مسیر تحول نقش هیئت‌های مذهبی شناسایی شدند. هم‌زمان، سرمایه اجتماعی قوی، راهبردهای نوآورانه (مانند توانمندسازی نهادی و تلفیق سنت با فناوری) و نقش فرهنگی و آموزشی برجسته، به‌عنوان پیشران‌های اصلی تحول تعیین گردیدند.



در مرحله دوم، از ابزارهای سناریونویسی بهره گرفته شد. با استفاده از ماتریس سناریویی و تحلیل اثر متقابل، دو محور کلیدی تعریف شدند: محور افقی به تعیین وضوح و استحکام چهارچوب‌های حقوقی اختصاص یافت که از یک‌سو وجود قوانین شفاف و در پاسخ به عدم قطعیت‌های حقوقی را تضمین می‌کند و از سوی دیگر به ابهام و تناقض در قوانین مشارکت اشاره دارد و محور عمودی به سطح پذیرش فناوری در سطح شهری متمرکز شد؛ در این محور از یک‌سو پذیرش گسترده فناوری و دیجیتالی کردن رویکردها مدنظر و از سوی دیگر مقاومت در برابر فناوری و شکاف دیجیتالی مورد ارزیابی قرار گرفت. این دو محور به همراه عوامل واسطه‌ای مانند تنش‌های سیاسی و چالش‌های نسلی، زمینه ساختاربندی چهار سناریوی احتمالی را فراهم آوردند.

در مرحله سوم، کارگاه دلفی برگزار شد. در این کارگاه، کارشناسان متخصص از میان معیارهایی مانند احتمال وقوع، تأثیر بالقوه بر حکمرانی شهری، پذیرش فناوری و تأثیر بر هم‌بستگی اجتماعی هر سناریو را با استفاده از یک مقیاس ۱۰ نمره‌ای ارزیابی کردند. نظرات کارشناسان در چندین دوره گردآوری شده و میانگین نمرات به دست آمده به عنوان امتیاز نهایی برای هر سناریو تعیین گردید. این شیوه ارزیابی به تقویت استحکام نظری هر سناریو افزوده و امکان تدوین سناریوهای دقیق و موجه را فراهم ساخته است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

نتایج این پژوهش نشان داد که با وجود ظرفیت‌های عینی هیئت‌های مذهبی در حوزه‌هایی نظیر شبکه‌های اجتماعی، بسیج مردمی و مدیریت غیررسمی بحران‌ها، این نهادها در نظام حکمرانی شهری امروزی عمدتاً نقش حاشیه‌ای ایفا می‌کنند. این موقعیت حاشیه‌نشینی ناشی از عوامل ساختاری پیچیده‌ای است؛ از جمله سلطه گفتمان فن‌سالارانه، تعارضات نسلی و ابهام‌های موجود در چهارچوب‌های حقوقی که زمینه یکپارچه‌سازی نقش‌های نوین در ساختار حکومتی را تضعیف می‌کنند. از سوی دیگر، سناریوهای طراحی شده در این پژوهش نشان می‌دهد که آینده هیئت‌های مذهبی نه تنها به تصمیمات امروز سیاست‌گذاران وابسته است، بلکه به توانایی این نهادها در تلفیق هوشمندانه سنت‌های دیرینه با نوآوری‌های مدرن نیز بستگی دارد.

نتیجه‌گیری تفصیلی با استفاده از روش‌های داده‌بنیاد و چهارچوب پارادایمی شش مقوله، عواملی نظیر حاشیه‌ای شدن هیئت‌ها، اهمیت سرمایه اجتماعی قوی، تعارضات نسلی و ابهام‌های حقوقی به‌عنوان عوامل مؤثر در تعامل هیئت‌های مذهبی با نظام حکمرانی شهری استخراج گردید. سپس، با به‌کارگیری فن‌های سناریونویسی - ازجمله ماتریس اثر متقابل و گردهمایی نظرات کارشناسان از طریق کارگاه‌های دلفی - چهار سناریوی اصلی شامل «هم‌پستگی تحول‌گرا»، «تضاد و قطبی شدن»، «تلفیق محدود سنت و فناوری» و «تثبیت وضعیت موجود و احتمال پس‌گرد» از نظر احتمال وقوع و تأثیرگذاری بر ساختار حکمرانی شهری ارزیابی شدند. یافته‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که موفقیت تحول نقش هیئت‌های مذهبی به‌عنوان بازیگران کلیدی مستلزم تلفیق هم‌زمان سنت‌های فرهنگی و مذهبی با فناوری‌های نوین و همچنین به‌کارگیری استراتژی‌های نوآورانه برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های اجتماعی این نهادها است؛ به عبارت دیگر، استفاده بهینه از سرمایه اجتماعی ناشی از شبکه‌های مردمی و توان بسیج منابع در زمان بحران، در کنار تقویت زیرساخت‌های حقوقی و دیجیتال، از ارکان اساسی تغییر محسوب می‌شوند.

این نتایج با نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام و چهارچوب‌های حکمرانی مشارکتی هم‌خوانی دارد و نشان می‌دهد که ادغام ظرفیت‌های سنتی هیئت‌ها (مانند اعتماد، شبکه‌های مردمی و آیین‌های جمعی) با الزامات مدرن حکمرانی (مانند شفافیت، پاسخ‌گویی و فناوری‌های نوین) می‌تواند مسیر پایدار و مشارکتی حکمرانی شهری را شکل دهد. بدین ترتیب، سناریوهای استخراج‌شده نه تنها آینده‌های محتمل را ترسیم می‌کنند، بلکه مبنای نظری و عملی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری فراهم می‌آورند.

بدین ترتیب، پژوهش حاضر نشان داد که هیئت‌های مذهبی می‌توانند با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی و سازوکارهای نهادی نوین، از موقعیت حاشیه‌ای به بازیگران کلیدی در حکمرانی شهری پایدار تبدیل شوند؛ همچنین روشن شد که چهارچوب آینده‌پژوهی و سناریونویسی، ابزار ضروری برای نهادینه‌سازی این تحول و بهره‌برداری از ظرفیت‌های سنتی - مدرن است.



۵-۱. پیشنهادهای پژوهش

پیشنهادهای اجرایی زیر جهت تحول نقش هیئت‌های مذهبی در حکمرانی شهری مطرح می‌شود:

❖ ایجاد چهارچوب‌های قانونی و حقوقی منسجم

✓ اقدام: تدوین و تصویب قوانین و مقررات ثابت برای مشارکت هیئت‌های مذهبی در فرایندهای حکمرانی شهری.

✓ دلایل: رفع ابهام‌های حقوقی، ایجاد هماهنگی بین قوانین شهری و شرعی و فراهم آوردن بستر قانونی برای به‌کارگیری سرمایه اجتماعی و رهبری نوآورانه.

✓ مدل پیشنهادی: بهره‌گیری از مدل‌های حقوقی مورد استفاده در کشورهایی با تجربه موفق در ادغام نهادهای غیررسمی با ساختارهای رسمی.

❖ توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و بهبود پذیرش فناوری

✓ اقدام: راه‌اندازی پلتفرم‌های دیجیتال تخصصی جهت آموزش مذهبی، مدیریت بحران و تسهیل گفت‌وگوی فرهنگی میان نهادهای شهری و هیئت‌های مذهبی.

✓ دلایل: کاهش شکاف دیجیتالی، افزایش تعامل بین نسل‌های مختلف و بهبود بهره‌گیری از فناوری به‌عنوان پیشران تحول در شهرهای مدرن.

✓ مدل پیشنهادی: استفاده از نمونه‌های موفق دیجیتالی کردن در خدمات شهری، همراه با آموزش‌های تخصصی برای رهبران و اعضای هیئت‌ها.

❖ تدوین طرح‌های آموزشی و فرهنگی برای هم‌بستگی اجتماعی

✓ اقدام: برگزاری دوره‌های آموزشی، کارگاه‌ها و میزگردهای مشترک با همکاری دانشگاه‌ها و نهادهای فرهنگی به‌منظور تقویت آگاهی اجتماعی و شهروندی پایدار.

✓ دلایل: نقش آموزشی هیئت‌های مذهبی در ایجاد هم‌بستگی اجتماعی و کاهش شکاف‌های نسلی.

✓ مدل پیشنهادی: الهام گرفتن از الگوهای بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگی و شهروندی فعال، متناسب با بستر فرهنگی ایران.

❖ مدیریت تنش‌های سیاسی و ایدئولوژیک

✓ اقدام: تشکیل انجمن‌ها و شوراهای مشترک بین نهادهای رسمی و هیئت‌های مذهبی برای رفع تنش‌های سیاسی و تعیین چهارچوب‌های مشورتی جهت تدوین سیاست‌های هماهنگ.

✓ دلایل: کاهش ابهام‌های سیاسی و جلوگیری از ابرارسازی نهادهای مذهبی برای اهداف حزبی.

✓ مدل پیشنهادی: بهره‌گیری از تجارب منطقه‌ای و بین‌المللی در ایجاد نهادهای مشترک میان نهادهای رسمی و غیررسمی.

❖ ارزیابی و پایش دوره‌ای سناریوها و شاخص‌های کلیدی

✓ اقدام: تدوین نظام‌های پایش و ارزیابی مبتنی بر شاخص‌های کمی و کیفی جهت نظارت بر روند تحول و شناسایی نقاط عطف تغییر.

✓ دلایل: فراهم کردن امکان بازنگری و تطبیق طرح‌های اجرایی براساس بازخوردهای میدانی و جلوگیری از سقوط به سناریوهای منفی مانند قطبی شدن یا تثبیت وضعیت موجود.

✓ مدل پیشنهادی: طراحی یک داشبورد چندبُعدی تحلیلی جهت ارزیابی دوره‌ای شاخص‌های اصلی مانند احتمال وقوع تغییرات، پذیرش فناوری و هم‌بستگی اجتماعی.



فهرست منابع

- بابایی، عباس؛ باصری، احمد؛ ناظمی اردکانی، مهدی؛ مرادی، حجت‌الله (۱۳۹۶). *تدوین راهبردهای تقویت کارکردهای هیئت‌های مذهبی با رویکرد ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، دوره ۲۰، شماره ۷۵.
- باقری نیا، حدیث؛ غفاری هاشجین، زاهد (۱۴۰۰). *نقش سیاسی هیئت‌های مذهبی در روند شکل‌گیری نهضت مشروطیت*. دولت پژوهی ایران معاصر، ۷(۴).
- پانتنام، رابرت (۱۳۹۲). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه: محمد تقی دلفروز. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- ترابی، محمد؛ راجی، محمدهادی؛ ندافان، مسعود (۱۴۰۴). *بازمعماری حکمرانی شهری در رویارویی با جنگ ترکیبی*. فصلنامه علمی حکمرانی متعالی، ۵(۴).
- حسین آفروش، رحیم (۱۴۰۳). *داستان ما مردم (تجربه‌نگاری فرایند شکل‌گیری شبکه مردمی فعالان فرهنگی و ارائه راه کارهای ایجاد و گسترش کنشگری اجتماعی)*. قم: دانشگاه باقرالعلوم^(ع).
- حسینی، نرجس سادات؛ احمدی، سید عباس (۱۳۹۸). *حکمرانی شهری در راستای عملکرد سازمان‌های محلی با بررسی مدل‌های متفاوت در جهان*. آمایش سیاسی فضا، ۲(۱).
- شیروودی، مرتضی؛ شیروودی، محمدسجاد (۱۳۹۶). *تأثیرات جامعه‌شناختی هیئت‌های مذهبی بر مؤلفه‌های مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۵(۱۱).
- عمرانی، سلمان؛ زارع شهنه، حامد (۱۳۹۹). *نظارت اجتماعی در هیئت‌های مذهبی و نقش آن در پیشگیری از جرم*. آموزه‌های حقوقی گواه، ۶(۱).
- غفاری هاشجین، زاهد؛ مرشدی زاد، علی؛ خدادادی، هانیه (۱۳۹۱). *نقش هیئت‌های مذهبی شهر تهران در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی*. نشریه دانش سیاسی، ۸(۲).
- گنجی، محمد؛ نیازی، محسن؛ احسانی راد، فاطمه (۱۳۹۴). *مشارکت در امور خیریه و وقف، پیش‌درآمدی بر توسعه پایدار*. مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۳(۴).
- مظاهری، محسن حسام (۱۳۸۹). *رسانه شیعه: جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیئت‌ها در ایران*. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

مهری، کریم (۱۴۰۳). بررسی نقش هیئت مذهبی در حل مسائل اجتماعی، دومین همایش ملی هیئت و آیین‌های مذهبی، تهران.

نثاری، مرتضی؛ حسین نژاد خاکی، یوسف (۱۴۰۴). از عزاداری تا تمدن سازی: مدل‌سازی مفهومی تحول هیئت‌های جوان مدار برای تحقق تمدن نوین اسلامی. مطالعات میان رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی.

نثاری، مرتضی؛ بابایی، عباس؛ حاجیلویی، محمود؛ حسین آبروش، رحیم (۱۴۰۴). الگوی حکمرانی هیئت محور: نقش هیئت‌های مذهبی در تحقق حکمرانی اسلامی مبتنی بر مشارکت مردمی. فصلنامه علمی حکمرانی متعالی، ۶(۱).

نثاری، مرتضی؛ حسینی، سید رضا؛ بابایی، عباس؛ حاجیلویی، محمود (۱۴۰۴). تحلیل راهبردی نقش هیئت‌های مذهبی در امنیت فرهنگی. مطالعات فرهنگی پلیس، ۱۲(۱).

نثاری، مرتضی؛ حسینی، سیدرضا؛ پیروزمند، علیرضا (۱۴۰۴). امنیت ملی و پیوندهای اجتماعی: تحلیل نقش شبکه‌های مذهبی در دفاع مقدس ۱۲ روزه ۱۴۰۴. امنیت و ارتباطات اجتماعی، ۵(۹).



References

- Altschuler, D. & Corrales, J. (2013). *The promise of participation: Experiments in participatory governance in Honduras and Guatemala*. Springer.
- Beaumont, J., & Cloke, P. (Eds.). (2012). *Faith-Based Organisations and Exclusion in European Cities*. Policy Press.
- Camba, A. A. (2014). Participatory governance in the EU: Enhancing or endangering democracy and efficiency? *Governance: An International Journal of Policy, Administration, and Institutions*, 27(3), 536–538.
- DeHaven, M. J., Hunter, I. B., Wilder, L., Walton, J. W., & Berry, J. (2004). Health programs in faith-based organizations: Are they effective? *American Journal of Public Health*, 94(6), 1030–1036.
- Fung, A., & Wright, E. O. (2001). Deepening democracy: Innovations in empowered participatory governance. *Politics & Society*, 29(1), 5–41. <https://doi.org/10.1177/0032329201029001002>
- Godet, M. (2001). *Creating futures: Scenario planning as a strategic management tool*. Economica.
- Hackworth, J. (2012). *Faith Based: Religious Neoliberalism and the Politics of Welfare in the United States*. University of Georgia Press.
- Halim, R. (2018). Collaborative governance model in the village fund management at Banggai Regency. *Asian Journal of Environment, History and Heritage*, 2(2).
- Kumba, S. (2014). Technology and participatory governance in urban crisis management. *International Journal of Urban Policy*, 18(2), 145–162.
- Putnam, R. D. (2000) *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York, N.Y.: Simon & Schuster.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques* (2nd ed). Thousand Oaks, CA: Sage.
- UNDP. (1997). *Governance for sustainable human development: A UNDP policy document*. United Nations Development Programme.
- UNESCAP. (2009). *What is good governance?* United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific. Retrieved from <https://www.unescap.org/resources/what-good-governance>